

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

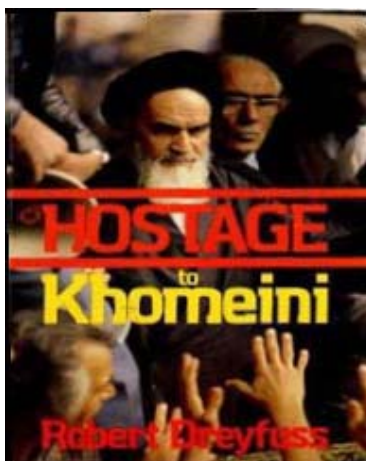
Historical

تاریخی

نوشته رابرت دریفوس
ترجمه و ویرایش دکتر فرهاد زرگر
۰۸ جولای ۲۰۱۸

گروگان نزد خمینی

۲۰



سنت جان فیلی، پدر کیم در اوایل قرن بیستم در زمانی که مراکز روشنفکری کمبریج، انگلیس دوران ویکتوریائی به اصطلاح سه معجزه قرن ۱۹ را جشن می‌گرفتند، رشد کرد. این سه معجزه ایدئولوژیک مهم قدرتمند، زاده افکار اطلاعاتی دولت انگلیس بودند. که برای اداره امپراتوری انگلستان قرن نوزدهم طرح‌ریزی شده بودند و عبات بودند از :
(۱) لیبرالیسم به عنوان گرایش سیاسی بین‌المللی، (۲) مطالعات جهان شرق، به آن شکلی که سر ریچارد برتون و لرد اکتون متخصص جنگ ایدئولوژیک مذهبی ملکه ویکتوریا آن را می‌خواستند. (۳) مارکسیزم، به عنوان زیربنای اعتقادی سیستماتیک برای کنترل و اداره جنبش‌های رادیکال "ژاکوبینی" علیه دولت‌ها و قدرت‌هایی که هم‌اورد و مخالف امپراتوری انگلستان هستند.

در دوران جوانی سنت جان فیلی در بین تعدادی از جوانان برای حرفه اطلاعاتی انتخاب شد و به دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۰۴ فرستاده شد و در آنجا به گروهی از جاسوسان خیلی با تجربه معرفی شد و به داخل گروه راه یافت. او از خانواده مرفه طبقه متوسط بالا بود. او بزودی به داخل پرسنل آموزش دیده اطلاعاتی دانشگاه کمبریج معرفی شد و به

درجه فابیان در کمبریج رسید. تا سال ۱۹۲۰ در دانشگاه کمبریج بود و بعد از این که دانشگاه را ترک کرد عضو دائمی جامعه فابین انگلستان شد. فابین‌ها از پیشگامان جامعه جنگ فرسایشی بودند، که به عنوان بخشی از اعضای به ظاهر چپ در مرکز اطلاعاتی «سیس» انگلیس، ادغام شدند.

فیلپی با آشکار کردن تعهد سابق خود، به ارزش نهادن به فرقه‌ها و مذاهب به عنوان ماشین کنترل جوامع بشری، یعنی بینشی که بعداً او در تاسیس اخوان المسلمین در جهان عرب از آن استفاده کرد. فیلپی در یکی از مقالات دوره لیسانس خود نوشت که: «مذهب از تمام همایش‌های جهانی، بزرگترین، جهانی‌ترین، و بنیادی‌ترین بخش ساختار انسان است و نسبت به تمام مخالفان بسیار مقاوم و قوی است.» در یک کار پژوهشی دیگر، فیلپی تأثیر نفوذ فلسفه ارسطو طالیس فیلسوف یونانی را با بنیادگرهای مذهبی مقایسه کرد و نتیجه گرفت که تأثیر مذهب بر روی انسان‌ها به مراتب مؤثرتر از تأثیر فلسفه است.

کشش دید سنت جان فیلپی بر نفوذ مذهب در فعالیت‌های جاسوسی سیاسی باعث شد که بعداً به وسیله جوزف تویین‌بی تاریخ‌دان و رئیس معروف سرویس‌های اطلاعاتی مخفی تبدیل به یک دکترین فعالیت‌های مرکزی جاسوسی گردد. تویین-بی اما در خلال جنگ جهانی اول و در زمان قرارداد «ورسای» به عنوان رئیس جاسوسی انگلیس در کشورهای بالکان و خاورمیانه خدمت می‌کرد، و در دوران جنگ جهانی دوم، او از طرف ونیستون چرچیل به سمت رئیس کل سرویس-های اطلاعاتی انگلیس انتخاب شد.

آرنولد تویین‌بی پژوهشگر دانشگاه اکسفر و رئیس مستقیم سنت جان فیلپی در سازمان اطلاعاتی انگلیس و یکی از مبلغان دائمی و مهم دکترین هویت مذهبی بود. او می‌گفت که در طول تاریخ ایدئولوژی دینی با رهبری مذهبی و احساس هویت مذهبی در افراد، به مراتب قوی‌تر و قدرتمندتر از هویت و قدرت ملی است. بنابراین تویین‌بی، مرتباً بحث می‌کرد که بنای یک نظم بزرگ امپراتوری جهانی که بتوان آن را در طول تاریخ کنترل کرد و پا بر جا نگه داشت، باید براساس یک شبکه اطلاعاتی و خرابکاری پایه ریزی شود تا قادر باشد اختیار و احساس هویت مذهبی را بر جمعیتی که به آنها هم‌اکنون هویت و احساس ملی است، حاکم کند.

سنت جان فیلپی در آخرین سال تحصیلی در دانشگاه کمبریج در ۱۹۰۷، به داخل بخش برجسته جاسوسی جنگی راهنمایی شد. استاد و راهنمای سال آخر فارغ‌التحصیلی او «ای. جی. براون» بود که جانشین سر ریچارد برتون شده بود. سر ریچارد برتون طراح و برنامه‌ریز انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۹۰۵ و فرد شماره یک در گروه اطلاعاتی صوفی‌گری اسلامی در ایران بود. همچنین او به همراه ویلفرد بلانت مسؤولان اصلی طراحی اخوان المسلمین و فرقه فراماسونری مذهب مسیحی اسکاتلندی و برنامه‌ریز جریان پان اسلامی جمال‌الدین افغان بودند. با کارکردن مداوم با براون در سال ۱۹۰۷ فیلپی به راز استراتژیک انگلیس که همانا نتیجه ناسیونالیست رادیکال و فرقه‌گرایی مذهبی بود، پی برد.

فیلپی همچنین زبان فارسی و هندی خود را تکمیل کرد و نیز شروع به آموزش زبان اردو کرد. و در دوران شغل اطلاعاتی‌اش به غیر از این زبان‌ها به زبان‌های ترکی و عربی و چند لهجه محلی دیگر نیز مسلط شد.

همینطور که جنگ جهانی اول نزدیک می‌شد، سنت جان با سمت افسر رتبه پائین اطلاعاتی سیاسی به هندوستان مأمور شد. سالهایی که در هند خدمت کرد به عنوان دوره آموزشی او محسوب می‌شد، او در خلال این سال‌ها درگیر پروژه‌های زیادی برای تشدید اختلاف و کشمکش‌های بین مسلمانان و هندوها شد، که بعداً زمینه‌ای برای تقسیم شبه قاره هند به هند و پاکستان براساس مذهب شد. اگر چه او استراتژی حکومت در هند را براساس «تفرقه بینداز و حکومت کن» بخوبی درک کرد مع‌هذا سالهایی که با مافوق خود «ای. جی. براون» همکاری می‌کرد، به او ارزش تشویق کردن قیام‌های ملی

گرائی را برای تحکیم نفوذ انگلیس در مناطق تحت سلطه آموخت، حتا اگر این جنبش‌ها اساساً هدفی برای بیرون راندن انگلیس از آن مناطق بود.

در سالهای جنگ جهانی اول ستراتیژی هند به شکل نمونه در دفتر عربی سیس (SIS) انگلیس در قاهره به کار گرفته شد این دفتر زیر نظر "دی. جی. هوگارت" که مسئول موزه آشمولین دانشگاه اکسفورد بود اداره می‌شد و معروفترین مدیر دفتر عربی در آن دوران "تی. ای. لورنس" بود که به لورنس عربستان شهرت داشت. او در ناحیه حجاز در غرب شبه جزیره عربستان با شریف مکه در قیام مکه همکاری زیادی داشت. ستراتیژی او شامل انتقال مقدار زیادی طلا از انگلیس به ارتش‌های قبایل عرب حجاز بود که بدان وسیله اعراب را به قیام علیه امپراتوری عثمانی برای فروپاشی دولت عثمانی و به اصطلاح استقلال تشویق کند. در سال ۱۹۱۵، فیلیپ به منطقه بین‌النهرین در عراق مأموریت یافت، در آن زمان عراق در اشغال ارتش انگلیس و زیر فرماندهی دفتر هند بود. تصادمی بین دفتر اطلاعاتی هند و دفتر عربی بر روی برنامه‌ریزی آنها در منطقه به صورت ستراتیژیک شروع شد. دفتر عربی با راهنمایی هوگارت، گرتروید بل، و لورنس و زیر کنترل انگلیس، رشد مسلمانان بنیادگرا و ملی‌گرایان عرب را در منطقه تشویق می‌کرد، در حالی که حکومت بشدت محافظه‌کار هندوستان و بعضی از عوامل دفتر انگلیس در هند در روشن کردن جرقه آتش شورش مسلمانان در نواحی عربی بیشتر تردید داشتند و ترس آن بود که شورش از جهان عرب به طور ناگهانی به هند سرایت کند و قیام را علیه تسلط دولت انگلیس در هند برپا کند. به این دلیل فیلیپ در عراق به تدریج مسئول نظارت بر روی دفتر انگلیس در سرزمین‌های عربی شد. فیلیپ همچنین به وسیله گرتروید بل، جهان‌گرد زن و مأمور دلیر و شجاع سیس انگلیس که یکی از متفکرین برنامه‌ریزی لندن نسبت به جهان عرب بود کمک و راهنمایی می‌شد. بل و فیلیپ برای سال‌های زیادی مورد اعتماد و مشاور همدیگر بودند. سنت جان فیلیپ برای بیش از چهل سال از ۱۹۱۸ تا زمان مرگش رئیس دستگاه‌های اطلاعاتی انگلیس در سرزمین عربستان بود.

فیلیپ نخست، کند کاوی در اسرار سیاسی قبایل عربستان کرد. بعد از مأموریت او به جهان عرب، بزودی فیلیپ به تمام گوشه و کنار مناطق عربستان مسافرت کرد و با آنها آشنا شد. و تا زمان مرگش، او به عنوان نخست‌وزیر پیشگام در بیابان‌های ماسه‌ای شهرت یافت. بر روی سنگ قبرش "بزرگترین کاشف عربستان" حک شده است.

در اولین سال‌های اقامتش در عربستان، او با دقت بزرگترین جنبش قدرتمند عربستان، یعنی فرقه بنیادگرای اسلام سنی وهابی را مورد مطالعه قرار داد. در رأس این فرقه در آنوقت عبدالعزیز بن سعود بود که بالاخره در سال‌های ۱۹۲۰ بنیانگذار سرزمین عربستان سعودی شد. بیش از ۳۰ سال فیلیپ واسطه فرهنگی بین لندن و ملک سعود بود. فیلیپ در وهله اول سعی کرد که خواسته‌های خانواده سعودی در عربستان شرقی را با بخش غربی جنبش قبیله‌ای هاشمی حجاز که از قبل تأسیس شده بود هماهنگ کند.

رئیس قبیله هاشمی در حجاز، حسین، شریف مکه بود که در آنوقت یک کارآگاه حقوق‌بگیر دفتر عربی انگلستان بود. به هرحال، فیلیپ در کنسولگری انگلیس بحث کرد که لندن باید از ابن‌سعود و از ارتش سعودی که در مرکز عربستان علیه شورشیان پیروز شده پشتیبانی کند و نتیجتاً پیشنهاد او مورد قبول واقع شد.

قدرت نظامی خاندان سعودی که شامل رهبران قبایل و میلیشیا و معتقدین به دین اسلام بودند، بر اساس جنبش گروه مسلمانان بنیادگرای اخوان المسلمین استوار بود. ارتش اخوان المسلمین با اسلحه‌های انگلیس آفت عربستان شد. سال‌ها بعد، ملک سعود عربستان سعودی با اخوان تضاد پیدا کرد و آنها را در سال‌های ۱۹۳۰ مجبور به انحلال کرد. با اینحال بسیاری برای باورند که اخوان، بعد از انحلال، به عنوان وسیله مخفی جاسوسی انگلستان در عربستان سعودی باقی ماند و به فعالیت خود ادامه داده و بنای قدرت خود را تا به امروز نگه داشت، همچنین گفته می‌شود که گارد ملی برجسته

امروز عربستان سعودی که رهبری آن را شاهزاده عبدالله بن عبدالعزيز دارد، شامل هسته مرکزی اخوان است که در سال‌های ۱۹۳۰ تشکیل شده است. در مارچ ۱۹۱۹، فیلی به پست مهم کمیته شرقی که چندین بخش داشت و به وسیله لرد کرزن تأسیس شده بود، منصوب شد. و در اوایل ۱۹۲۱، فیلی و لورنس، سعی کردند که یک دیپارتمان خاورمیانه جداگانه در دفتر استعماری انگلیس بنا کنند که در این امر موفق نیز شدند.

فیلی ضمن این که مشغول همکاری و فعالیت با صهیونیست‌های انگلیس و همکاری آنها در مبارزات مختلف علیه فرانسه و روسیه در خاورمیانه بود، در طول این مدت با هرزگی و عیاشی در سراسر عربستان به زندگی خود ادامه می‌داد، در حالی که آداب و رسوم اسلامی را نیز پذیرفته بود، من جمله با چند زن ازدواج کرد و بالاخره تغییر مذهب داد و ظاهراً دین اسلام را پذیرفت.

در این دوره از اواخر جنگ جهانی اول تا شروع جنگ جهانی دوم هیچ حادثه مهمی بدون اطلاع و غالباً بدون موافقت او در عربستان سعودی به وقوع نپیوست. برای مثال قرارداد کنترات شرکت نفت استاندارد کالیفرنیا برای پیدایش نفت در عربستان سعودی که بالاخره باعث تأسیس شرکت نفت امریکائی- عربی یا آرامکو گردید، با نفوذ شخص فیلی در خانواده سلطنتی عربستان سعودی به انجام رسید.

از دیدگاه سیاسی، فیلی برای خودش شهرت عجیبی در عربستان مستقر کرد. در حین جنگ جهانی دوم آشکارا طرفدار هیتلر بود و غالباً از دولت انگلیس می‌خواست که جنگ علیه آلمان را متوقف کند و به حزب فاشیست مردم که رهبری آن را لرد تویتوک به عهده داشت، ببیوندد. همزمان، به هر حال، فیلی بدقت تخم ضد امپریالیستی را در عربستان کاشت، و علیه تداوم استعمار امپراتوری انگلیس در آنجا بعد از جنگ بحث و جدل می‌کرد و حرکت‌های ناسیونالیستی، به ویژه ناسیونالیست عرب را تشویق و پشتیبانی می‌کرد. در این زمان بود که فیلی، یک رابطه مخفیانه با شوروی برقرار کرد. البته ستالین، هیچ توهمی درباره فیلی نداشت و اصلاً نمی‌دانست که او از چه مکتبی پشتیبانی می‌کند، اما همین قدر که به نظر می‌رسید که فیلی می‌خواهد امپراتوری انگلیس برچیده شود، زمینه‌ای برای همکاری با ستالین را فراهم می‌کرد.

اما ارتباط‌های فیلی در شوروی، از طریق کانال‌های قدیمی بیشتر زیرکانه و نامحسوس انجام می‌گرفت. فیلی به عنوان یک عضو برجسته کنگره خاورشناس، با یک پژوهشگر مشهور اسلام شناس، شرق شناس، جهان عرب و هند شناس ارتباط برقرار کرد. کنگره شرق شناسی که هر چند سال یکبار در مراکز مختلف جهان جلسه برگزار می‌کرد، جنبشی بود که در سال‌های ۱۸۸۰ تأسیس شده و تا قرن بیستم به عنوان یکی از پروژه‌های بخش جاسوسی سیس و عیسوی مذهب انگلیس ادامه داشت. بعدها، هم قبل و هم بعد از جنگ جهانی دوم، یکی از راهنمایان و سرپرستان فیلی شخصی به نام منوزیگنر گنزگو ریگمنز که یک کشیش مسیحی از دانشگاه لووین در بلجیم بود، او از راهنمایان برجسته جنبش شرق شناسان و ویراستار تشریه لموزون لووین در بلجیم بود. فیلی همچنین با ژاک پسر ریگمنز تقریباً یک شراکت سمبولیک ستراتیژیک مسیحی انگلیس در خاورمیانه به وجود آورده بود که غالباً با همدیگر به تمام عربستان مسافرت کردند.

بخشی از خانواده فیلی و ریگمنز در این زمان می‌خواستند شاهی برای موجودیت بعضی جنبش‌های قبل از اسلام در عربستان باشند. فیلی و ریگمنز جایگاه‌های قدمت شناسی را یکی بعد از دیگری جست و جو کرده و یادداشت‌های بسیار زیادی می‌نوشتند. هر دو باهم به دنبال مدارک و وسایل هنری محکم و مستدلی بودند که براساس آن دوره جنبش جدید ضد اسلامی خود را به فرقه خدایان قدیم مانند فرقه آلات که در عربستان دوره قبل از پیامبری محمد وجود داشت،

ارتباط دهند. فرقه‌هائی مانند اینها بود که بر روی جنبش‌های عرفانی و اسرارآمیز و حرکات ضد اسلامی زیر نظر و سرپرستی فیلی در عربستان تأثیرگذار شد.

کنگره شرق شناسان دقیقاً همزمان با حرکت پان اسلامی جمال‌الدین افغان شروع شد. این حرکت به نام «اتحاد جدائی ناپذیر افغانی و عبده» نام گرفت و فراماسیون‌های انگلیس و سازمان‌های مخفی را در سرتاسر جهان اسلام ایجاد کردند. در اوایل قرن بیستم، «افغان» غالباً چندین بار از روسیه تزاری دیدن کرد و در آنجا با نیروهائی برخورد کرد که بعد از انقلاب روسیه بعضی از آنها گروه‌های تروتسکیزم، بوخارینیزم، آنارشیزم‌ها، پان اسلام‌ها و به خصوص پژوهشگران روسی و متخصصین اسلامی را در جنبش کمونیستی شوروی تشکیل دادند. بدون این که در زمان انقلاب روسیه شبکه‌هائی که با «افغان» در ارتباط بودند نا پدید شوند، زمینه همکاری با فیلی شدند.

و اما حالا جریان پسر سنت جان فیلی یعنی کیم فیلی را بشنویم. کیم در زمان خدمت پدرش در سیس (SIS)، در هندوستان به دنیا آمد، پدرش او را هارولد آدرین راسل فیلی نامید و اصطلاحاً به او کیم می‌گفتند. کیم اسمی است از داستان خیالی «بازی بزرگ» اثر رودیاد کیپلینگ، داستانی که جاسوس انگلیس علیه روسیه برای به دست آوردن کنترل سرزمین بزرگ اوراسیا (اروپا آسیا) می‌جنگد.

در سال‌های ۱۹۳۰ کیم فیلی راه پدرش را دنبال کرد و در دانشگاه کمبریج، کالج ترنیتی ثبت‌نام کرد. در آنجا کیم فیلی به بعضی از دوستانش در سازمان مخفی به نام کلوب آپوستلز پیوست. در بین همکارانش می‌توان از دانالد مک لین، گای برگس، و انتونی بلانت نام برد. انتونی بلانت ویلفرد فرزند اس بلانت مشهور است که در قرن نوزدهم با براون گروه بلانت-براون را تشکیل داده بودند.

کیم فیلی، با تأیید پدرش در دوران کالجش به جنبش کمونیستی و سوسیالیستی پیوست و از رفرم‌های اجتماعی و لیبرالی طرفدار شوروی در این دوره آشکارا طرفداری می‌کرد. گفته می‌شود که کیم فیلی در خلال توقف خود در وین اتریش در اوایل سال‌های ۱۹۳۰ به شبکه اطلاعاتی شوروی وارد شد. به هر حال، اما پس از یک دیدار کوتاه از اسپانیا به عنوان گزارشگر خارجی، در بازگشت به انگلیس در ام‌آی.۶ (MI6) سرویس جاسوسی انگلستان، که پدرش سنت‌جان فیلی برایش از پیش رزرو کرده بود مشغول به کار شد. در دوران اشتغالش در MI6، کیم فیلی پُست‌های آبیرو و شوروی را به عهده داشت. و بعد از جنگ دوم جهانی در دوران شکل‌گیری سازمان سیا CIA، رئیس اطلاعاتی انگلیس در واشنگتن دی سی بود. شایعه شده که کیم فیلی در سال ۱۹۵۱ در فرار دو نفر از همکارانش برگس و مک‌لین به اتحاد جماهیر شوروی دست داشته. با وجود این شایعات، به فیلی اجازه داده شد که در سرویس اطلاعاتی ام‌آی.۶ فعال باقی بماند. در این زمان او متهم بود که مخفیانه اطلاعات محرمانه انگلیس و آمریکا را به شوروی منتقل می‌کرده است. (در حقیقت، در حالی که فیلی بی‌شک اطلاعات محرمانه سازمان سیا (CIA) را به شوروی می‌داد، بعید به نظر می‌رسید که او به دستورات دفتر خود خیانت کرده و اطلاعات با ارزشی از انگلیس را به شوروی‌ها واگذار کرده باشد. به هر رو، در سال ۱۹۵۵، فیلی علناً به عنوان فرد سوم در جریان رسوائی جاسوسی برگس و مک‌لین برای شوروی معرفی شد، و از مقامش در ام‌آی.۶ لندن به درجه نیروی اطلاعاتی نیمه‌وقت در بیروت تنزل مقام داده شد. در این مقام، کیم فیلی به عنوان رابط بین ام‌آی.۶ و کا.جی.بی و کارهای جاسوسی دیگر بین عرب‌ها و اسرائیلی‌ها به خدمت خود ادامه داد و در ظاهر بعد از ۱۹۵۵ فیلی گزارشگر روزنامه ایزرور لندن و نشریه اکونومیست لندن شد.

فیلی به‌مجرد ورود به بیروت، به وسیله سنت جان فیلی پدرش به تمام رابط‌های خاورمیانه، از شیخ‌های سعودی گرفته تا رؤسای بخش اردن، و جاسوس‌های اسرائیلی مוסاد، تا همه نوع جاسوس‌های لبنانی معرفی شد. فیلی پدر و پسر با هم، به سرتاسر خاورمیانه مسافرت کردند. و از ۱۹۵۵ تا سپتامبر ۱۹۶۰، سنت جان شریان‌های مختلف، مخصوصاً شبکه

اخوان المسلمین در کشورهای عربی و نیز مناطق پیشرفته اطلاعاتی را که انگلیس و شوروی با هم برای پشتیبانی جنبش چپ‌ها و کمونیست‌ها همکاری می‌کنند به پسرش نشان داد. فیلیپ جوان بزودی فرد صمیمی و مورد علاقه احزاب و سازمان‌های مختلف عرب و حزب توده ایران، چپ‌های لبنان و جنبش ناصری و حزب بعث سوسیالیست شاخه میشل افلق شد. در هر یک از این جنبش‌ها سپس انگلیس تاریخ طولانی از نفوذ و حتی کنترل کامل و مؤثر آنها را دارد. در سپتامبر ۱۹۶۰ هری سنت فیلیپ با بیان آخرین گفتار «خسته و ملولم» درگذشت.

کیم فیلیپ به کار خود به عنوان رابط جاسوسی انگلیس در بیروت ادامه داد، و مرتباً اطلاعاتی (که غالباً هم غلط بودند) به کا.جی.بی می‌داد. در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۲ خاورمیانه وارد یک سری بحران‌های جدی شد. در ایران انگلیس به متزلزل کردن رژیم شاه پرداخت. و آتش شورش ضد شاه به وسیله پشتیبانان آیت‌الله خمینی روشن شد. سپس کیم فیلیپ در جنوری ۱۹۶۳ در حالی که به یک جشن سیاسی در بیروت می‌رفت در راه ناپدید شد. ماه بعد در ۸ فبروری ۱۹۶۳، حزب بعث در سوریه قدرت را به دست گرفت، سپس در ۸ مارچ ۱۹۶۳، دولت عراق به وسیله حزب بعث عراق سرنگون شد. سوریه و عراق فوراً برای اتحاد با هم وارد مذاکره شدند، از طرفی تشریفات انگلیس-امریکائی فروپاشی قریب‌الوقوع رژیم‌های طرفدار غرب، اردن و عربستان سعودی را پیش‌بینی کردند. این بحران‌ها، در بعضی از مراکز کشورهای غربی، مخصوصاً فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی و جاپان دهشت و هراس به وجود آورد، کیم فیلیپ ناگهانی در اپریل ۱۹۶۳ در مسکو ظاهر شد. جاسوس سه جانبه برجسته انگلیس، در میان بحران‌های خاورمیانه که بخشی کار خود او بود، ترتیبی داد که خود را در شوروی پاک و بی‌گناه جلوه دهد. از آن وقت به بعد، فیلیپ به عنوان افسر فعال کا.جی.بی در شوروی خدمت می‌کرد. در ۱۹۷۸، زمانی که "انقلاب" به رهبری خمینی در ایران در جریان بود، ژورنال اخوان المسلمین وابسته لیگ جهانی مسلمانان در عربستان سعودی، فیلیپ را به عنوان کارمند رابط وزارت امور خارجه شوروی برای سوریه، عراق، اردن و شبه جزیره عربستان معرفی کرد. از سال ۱۹۷۹ به بعد تا به امروز [منظور زمان نگارش کتاب]، فیلیپ به درجه جنرالی در کا.جی.بی ارتقای مقام یافته و در این مدت این حواری سابق پاپ در کمبریج و فعال سال‌های سیاه، نفوذ بهنگامی از سیاست شوروی را به طرف انقلاب خمینی و اخوان المسلمین جهان عرب به کار گرفت. موضوع کیم فیلیپ، به عنوان جاسوس سه طرفه در رابطه با دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا هنوز مشخص نشده، پرونده ایست که از جهات مختلف باز و قابل بررسی است.

فرار فیلیپ در ۱۹۶۳ به شوروی در بین جاسوس‌های کا.جی.بی هنوز اسطوره‌ای است که در واشنگتن قابل بررسی است. سؤال دیگر این است که چطور سازمان جاسوسی امریکا نتوانست جلوی به قدرت رسیدن خمینی را بگیرد، و در تقابل با جاسوس‌های کا.جی.بی قرار گرفت، واقعیت چیست؟

خلاصه پاسخ به این معما بالاخره روشن خواهد کرد، که هیچ وقت روی کار آمدن خمینی در ایران، طرح و برنامه دستگاه جاسوسی کا.جی.بی نبوده و نیست. در عوض یک گروه مشخص در جامعه اطلاعاتی سازمان سیا در امریکا هست که از بدو تأسیس آن در خلال جنگ جهانی دوم تاکنون، به وسیله افراد برجسته کانادائی - انگلیس و امریکائی کنترل می‌شوند. این گروه به دور فامیل‌های قدرتمند و سرمایه‌داری که در سواحل شرقی امریکا مستقر هستند، گرد آمده‌اند. بازوی اطلاعاتی و خبری این شبکه قدرتمند که یک وقت به وسیله سِر ویلیام استنفنس تشکیل شد، شامل حزب با سابقه سوسیالیست امریکا شبکه‌های کمیته کار یهودی‌ها، و شبکه‌های اطلاعاتی اطراف جیمز جیسز آنکلتون، که خودش به وسیله فیلیپ آموزش دیده بودو جی لاوستن، اروینگ براون، اروینگ سوول که جزء گروه ضد بد نامی بود، و نیز شبکه فیتزروی مک‌لین که با سازمان ملل متحد در ارتباط بودند و همچنین شبکه عیسوی‌های کانادائی که آزادی دین در امریکای لاتین را تبلیغ می‌کنند، و همین‌طور شاخه جدا شده روزیونیستی جبوتینکسی در جنبش صهیونیست‌ها و

اخوان المسلمین در اسلام نیز جز این گروه بودند. کنترل کنندگان انگلیس این شبکه در امریکا و در شوروی همچنین ، بخش‌های مختلف جاسوسی ایجاد کرده بودند. از آن جمله بعضی از فکراخبارهای آی.ام.ای.ام.او (IMAMO)، که دونالد مک‌لین کارمند آن بود و نیز بخش‌هایی از کا.جی.بی و وزارت امور خارجه شوروی که فیلیبی در آن مشغول خدمت بود، همه را زیر نظر داشتند. از طرفی دو بخش از دستگاه‌های اداری شوروی بودند که دائماً نگرانی فکری جنبش‌های آزادی‌بخش «جهان سوم» و پروژه‌های مبارزه طبقاتی را داشتند. مطلبی که درک آن تا اندازه‌ای سخت به نظر می‌رسد. افشاء شدن یک سیستم اطلاعاتی به وسیله بعضی از مأموران مرموز کا.جی.بی است که در حقیقت ثابت می‌کند که بخش عمده‌ای از سازمان جاسوسی امریکا و قسمتی از سازمان جاسوسی شوروی هر دو توسط یک گروه سوم اطلاعاتی یعنی اس.او.ای (SOE) که کاندائی است و زیر نظر سازمان جاسوسی انگلیس کار می‌کرد، اداره و کنترل می‌شدند. این موضوع در میان موضوعات دیگر نقش برژینسکی جنگ طلب ضد کمونیست امریکائی کاندائی آموزش دیده به وسیله سازمان عیسوی مذهب محافظه‌کار رادر همکاری با کا.جی.بی برای به قدرت رساندن خمینی ثابت می‌کند. بسیاری از اطلاعات سری یک روز از پرونده دفن شده‌ی «جاسوس سه جانبه» یعنی هرالد آدرین راسل فیلیبی مشهور به «کیم فیلیبی» آشکار خواهند شد.

پایان